



روزنامه جوان | شماره ۶۸۷۶

دورنما

آزاده‌سادات عطار

بعد از نشست‌های اخیر گروه «بریکس» و انفجار بمب خبری درباره پیوستن ایران به این گروه، انبوهی از تحلیل‌ها در باره آینده آن منتشر شده و بر آینهٔ آنها حاکی است اگر چه غرب پیش از این بر بریکس را دست‌کم می‌گرفت و سعی می‌کرد چنین نگرشی را غالب کند اما از این به بعد باید این واقعیت را بپذیرد که این گروه عاملی برای نگرانی آنها خواهد بود و در این بین، ایران در عین حال که می‌تواند موقعیت بهتری را برای خود رقم بزند، وزن قابل توجهی به این گروه بخشیده است. گروه بریکس متشکل ازبرزیل،روسیه،هند،چین و آفریقای جنوبی پذیرای ایران است. ورود کشوری به بریکس که اقتصاد آن از اقتصاد آفریقای جنوبی بزرگ‌تر است، وزن حساسی به آن می‌بخشد. هم‌زمان ورود ایران به جر گه اعضای بریکس به این دلیل از حساسیت خاصی برخوردار است که گنجاندنش ضربه‌ای حیاتی به قدرت ژئوپلتیک غرب محسوب می‌شود. شبکه خبری بلومبرگ آگوست گذشته نوشت: «پیوستن ایران باعث ناراحتی آمریکا و متحدانش خواهد شد، به همین دلیل جمله «ایران مزاحم است» بسیار منطقی است.» همان‌زمان «کوئوس ون استادن» پژوهشگر در نیویورک تایمز نوشت: «می‌توانم تصور کنم برخی از اعضانگران هستند که بریکس تنش‌های ژئوپلتیکی با قدرت‌های غربی داشته باشند. در این بین، اسرائیل به عنوان راهبر اصلی سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا، بسیار از پیوستن ایران عصبانی است. جزوالم‌پست در اذعان صریح به این شخم نوشت: «پن به آن معناست که ایران ممکن است از روابط خود با روسیه،چین و آفریقای جنوبی برای یک دستور کار ضداسرائیلی سوءاستفاده کند. اگر مکزیک، اندونزی، تایلند، نیجریه، ویتنام، مالزی، فیلیپین و بنگلادش به بریکس ملحق می‌شدند، این موضوع چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. همانطور که به پنج کشور دیگر که مدت‌هاست عضو بریکس هستند، توجه چندانی نمی‌شود اما ایران در غرب آسیا به عنوان یک قدرت ژئوپلتیک منطقه‌ای دارای ظرفیت بالایی است که به راهبرد داخلی ایران که این کشور را در برابر آمریکا تنگ می‌دارد، ارتباط دارد.»

■ **هموار شدن مسیر دور زدن سوئیفت**

مرکز پژوهش و آموزش «الما» درباره چشم‌انداز پیش‌روی بریکس نوشت: یکی از اثرات احتمالی در غرب آسیا، به پیوستن ایران به بریکس مربوط می‌شود. روابط ایران با اعضای این سازمان به ویژه روابط ایران با چین، روسیه و برزیل برای همه آشناست. این فرصتی خاص برای ایران محسوب می‌شود تا به این ترتیب، وضعیت اقتصادی و سیاسی خود را افزایش دهد و تأثیر تحریم‌های جهانی را کاهش دهد. پدیسری ایران در این سازمان می‌تواند درهای بسیاری از بازارهایی را به روی تهران باز کند که قبلاً در آنها امکان صادرات نفت و گاز و دیگر محصولات وجود نداشت و شرایط برای واردات کالاهای مصرفی هم مساعد شود. علاوه بر اینها، ایران می‌تواند مجموعه‌ای از خدمات مالی و اقتصادی را از مسیر بانک‌های بریکس دریافت کند و ساختاری مانند سوئیفت را که از سال ۲۰۱۸ برایش مسدود است، دور بزند. همه اینها در شرایطی است که تجارت بین ایران و پنج عضو مؤسس این سازمان

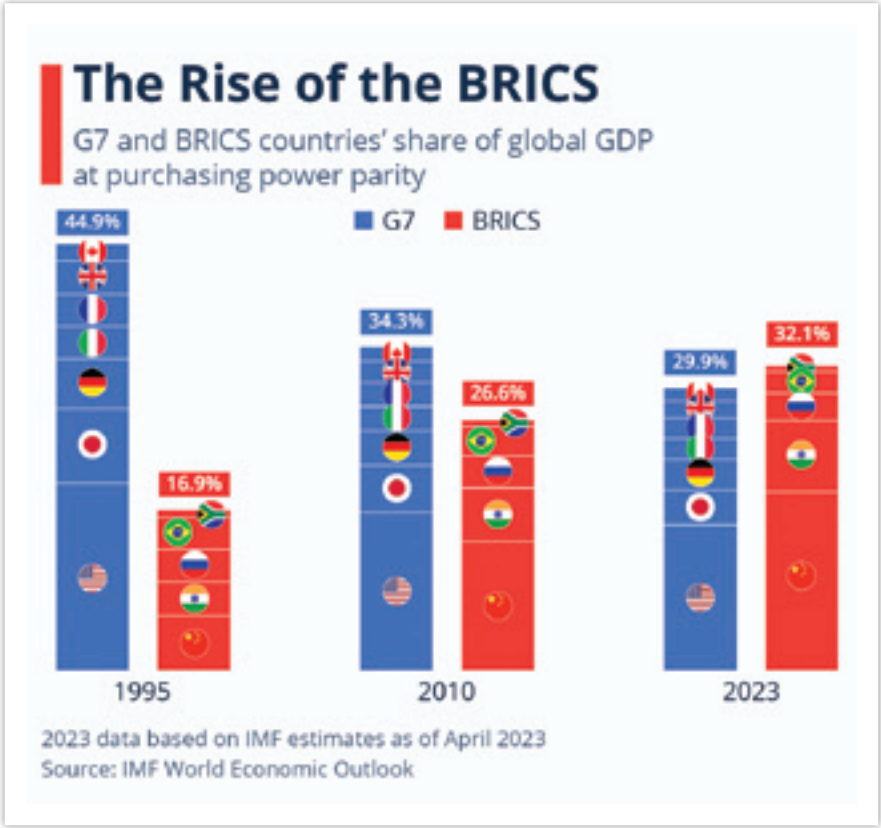
چالش

پیرالملل

سرویس بین‌الملل ۶۰۰۵۸۵۲۲

متحدان آمریکا یک‌به‌یک سر‌خورده می‌شوند

سنگینی جته کلوپ «بریکس» برای غرب



۱۴ درصدافزایش به ۳۸میلیارد دلار در سال گذشته رسیده است.

آلمان گفته که تحریم‌های اعمال‌شده غرب علیه روسیه، این کشور را بر آن داشت سازوکاری تجاری را تزویج کند که تحریم‌های غرب را دور می‌زند و از استفاده از دلار به ویژه در بخش تجارت نفت و گاز خودداری می‌کند. در همین راستا، هند نیز اخیراً چند قرارداد نفتی با روسیه و امارات منعقد کرده که هزینه آن را به یوان و رپویه پرداخت کرده است. بدیهی است ایران با توجه به وضعیت کنونی و روابطش با آمریکا، اقداماتی که برای کاهش استفاده از دلار انجام



به جز ایران هر یک از کشورهای که به تازگی به «بریکس» پیوسته‌اند تا همین اواخر متحد نزدیک آمریکا بوده‌اند که پیوستن آنها نشانه سر‌خوردگی از ایالات‌متحده است که احتمالاً از بیست‌ و یک دهه پیش آغاز شده است

ایالات‌متحده احتمالاً بیش از یک دهه پیش آغاز شده‌باشد. در طول بهار عربی، کنار گذاشتن حسنی مبارک، متحد نزدیک دولت اوباما، بیداری روشنی برای دیگر دوستان و شرکای قدیمی آمریکایی از عربستان تا بحرین بود. پیش از این، تهاجم جورج بوش به عراق در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم بعث صدام حسین، نفوذ ایران را در این کشور با اکثریت شیعه و در منطقه تقویت کرد.

مسلم‌نیز هم نوشته است: تحولات اخیر در بریکس، موج‌هایی را در پایتخت‌های غربی ایجاد کرده‌است. این کشورها، همان‌هایی هستند که قبلاً این گروه را به دینده متسخر می‌نگریستند و حالا باید منتظر باشند از اول ژانویه ۲۰۲۴، بریکس اصلی، شامل شش کشور از ۹ تولیدکننده بزرگ نفت جهان تشکیل شود. این موضوع زمانی مهم می‌شود که بدانیم قبلی دارای تولید ناخالص داخلی ۲۷۱۶ تریلیون دلاری در سال ۲۰۲۳ است که تقریباً ۲۶٫۳ درصد از اقتصاد جهانی را نشان می‌دهد، در حالی که بریکس پلاس اکنون ۳۰ درصد از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص می‌دهد که حدود ۳۱ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود.

طبق گزارش «گلدمن ساکس» در سال ۲۰۰۳ یا عنوان «رؤیاب‌رذاری با بریکس در مسیر ۲۰۵۰»، طی ۰ دهسال آینده، اقتصادهای بریکس - برزیل، روسیه، هند و چین می‌توانند به نیروی بسیار بزرگ‌تری در اقتصاد جهانی تبدیل شوند، حتی چالش‌تر اینکه تا سال ۲۰۲۵، آنها می‌توانند بیش از نیمی از اندازه گروه ۷ را تشکیل دهند، در حالی که تنها ایالات‌متحده و ژاپن در سال ۲۰۵۰ جزو شش اقتصاد بزرگ از نظر دلار آمریکا هستند پیش‌تر بریکس را رسانه‌ها و مفسران سیاسی غربی به عنوان یک تمرین روابط عمومی تحقیر شده معرفی می‌کردند اما این گروه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های برای هژمونی غرب بر سیستم سیاسی و اقتصادی جهانی و نهادهای آن ظاهر شده است. اعضای جدید سر و صدایی به پا کرده‌اند و ممکن است توازن قدرت موجود را متزلزل کنند. از طرفی، عضویت ایران و عربستان سعودی به عنوان غول‌های انرژی این گروه را به یک بلنفرم قدرتمند تبدیل می‌کند. با ترکیب امارات، مصر، هند و انبوهی با جمعیتی قابل توجه، اکنون ۰۰ دهلیون مسلمان بخشی از این گروه اقتصادی و سیاسی بالقوه قدرتمند هستند.

ائتلاف بریکس از زمان تشکیل خود در ژوئن ۲۰۰۹، همیشه توسعه را به عنوان سنگ‌بنی‌کار اقتصاد در دستور کار گذاشته‌است و این موضوع را به‌طور جمعی بین‌کشورهای عضو سبب به‌صورت دو جانبه با اقتصادهای در حال ظهور و توسعه یافته در برنامه کار دارد. هدف دستور کار جدید اقتصادی، اولاً ساختن اقتصادهای توسعه یافته و نیمه توسعه یافته کشورهای است که در حاشیه عضویت بریکس هستند.

ظهور یک جهان چندقطبی ضروری تلقی می‌شود. این امر به بریکس این امکان را می‌دهد تا در شکل دهی نظم جهانی جدید منشار کت و نقش‌تکنین کند.تری در آن ایفا کند. همبستگی اعضای بریکس و کار هماهنگ، مطمئناً علیه تک‌قطبی غرب مبارزه خواهد کرد و هنگام رویارویی با هژمونی غرب، بریکس را به عنوان بلوک بر جسته تغییر می‌دهد.

خواستہ‌ها به رژیم‌صهیونیستی میسر خواهد شد.

■ **شکاف داخلی در امریکا**

تحولات اخیر در فلسطین اشغالی به ویژه عملیات طوفان الاقصی و حملات گسترده رژیم‌صهیونیستی و در واقع نسل‌کشی فلسطینی‌ها در نوار غزه موجب بروز شکاف‌های فزاینده بین سیاستمداران امریکایی شده است. در حالی که رئیس‌جمهور خواهان و بخش زیادی از دموکرات‌ها خواهان شدت عمل علیه فلسطینی‌ها هستند اما شماری از سیاستمداران مستقل و دموکرات به انتقاد از اقدامات جنایتکارانه اسرائیل پرداخته‌اند. ارانه یک گزارش اطلاعاتی درباره عملیات اخیر حماس، عصبانیت قانونگذاران جمهوری خواه را در پی داشته است. برخی از این نماینده‌های کنگره جلسه توچیهی روز ۱۹ مهر (۱۱ اکتبر) را که از سوی مقام‌های دولت بایدن برگزار می‌شد، ترک کردند. جمهوری خواهان به انتقاد از سیاست‌های دولت بایدن در قبال ایران، ارانه کمک‌های نظامی به اسرائیل، تخلیه امریکایی‌های فلسطینی‌اشغالی و موارد دیگر پرداختند. سایت آکسیوس این رویداد را نشان‌دهنده از بین رفتن اتحاد نسبی ایجادشده میان سیاستمداران دو حزب امریکا بعد از عملیات طوفان الاقصی دانسته است. مقام‌های وزارت دفاع، وزارت خارجه و مدیریت اطلاعات ملی امریکا در این جلسه تصریح کردند که هیچ شواهدی از ارتباط مستقیم میان ایران و عملیات حماس وجود ندارد. جمهوری خواهان به بهانه عملیات طوفان الاقصی و گزارش اطلاعاتی درباره عملیات اخیر حماس، خواهان متهم کردن ایران به همکاری با حماس، خواهان تشدید فشارها علیه تهران هستند، این در حالی است که سیاستمداران مستقل و نیز جناح پیشرو حزب دموکرات موضعی بر خلاف جریان غالب در امریکا در قبال مسئله فلسطین اتخاذ کرده‌اند. برنی سندرز، سناتور دموکرات که خود نیز یهودی است، رژیم‌صهیونیستی را به نقض قوانین بین‌المللی متهم کرده و گفته‌است: اسرائیل با محاصره «زندان روباز» غزه قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند. سندرز در بیانیه‌ای که روز چهارشنبه منتشر شد، گفت: «بر کسی پوشیده نیست که غزه یک زندان در فضای باز بوده است و میلیون‌ها نفر در آن تلاش می‌کنند. ما محتاج اولیه را تأمین نکنند. هدف قرار دادن غیرنظامیان یک جنایت جنگی است، مهم نیست چه کسی این کار را انجام دهد. امتناع کامل

اسرائیل از رسیدن غذا، آب و سایر ما‌یحتاج به غزه، نقض جدی قوانین بین‌المللی است و نتیجه‌ای جز آسیب رساندن به غیرنظامیان بی‌گناه نخواهد داشت.»

در مجلس نمایندگان امریکاییز بخشی از قانونگذاران دموکرات که پیشرو خوانده می‌شوند، موضعی انتقادی در قبال اقدامات ضدفلسطینی اسرائیل اتخاذ کرده‌اند. در این راستار سیده طلپ، نماینده دموکرات با صدور بیانیه‌ای در خصوص آغاز دور جدیددگیری‌ها در فلسطین اشغالی، اسرائیل را یک رژیم آپارتایدی دانست. طلپ در این بیانیه خواهان برداشته شدن محاصره غزه، پایان بخشی به اشغال وا از بین بردن نظام آپارتایدی شد چراکه شرایطی خفه‌کننده و غیرانسانی به وجود آورده است. او تنها راه پیش‌روی مردم فلسطین را مقاومت دانست. از سوی دیدگاه‌وی کشش‌های ضدانسانی رژیم‌صهیونیستی و فشارهای روزافزون علیه فلسطینی‌ها به ویژه در نوار غزه موجب واکنش‌های اخیر مقاومت از جمله عملیات طوفان الاقصی شده است.

«کوری بوش» نماینده زن سایه‌پوست ایالت «میسوری» امریکا نیز در موضع گیری جدیدی خواستار توقف کمک‌های کشورش به رژیم‌صهیونیستی برای مقابله این رژیم با حماس شده است. کوری بوش تأکید کرد: «اقدام امریکا برای کمک به رژیم‌صهیونیستی برای تداوم جنگ، صدقایی از نقض حقوق بشر خواهد بود.»

اطهارات این دو نماینده دموکرات به دنبال بیانیه جدید جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا در رابطه با حمایت‌های کشورش از رژیم‌صهیونیستی جهت دفاع از خود در برابر حملات حماس صورت گرفته است. بایدن روز یکشنبه به نتائیهاو گفته بود آماده ارائه تمام ابزارهای حمایتی مناسب به این رژیم و مردمش جهت مقابله با حماس خواهد بود. موضع این سیاستمداران امریکایی در محکومیت اقدامات جنایتکارانه رژیم‌صهیونیستی علیه مردم مظلوم فلسطین به ویژه غزه نشان می‌دهد به رغم تبلیغات گسترده و نیز موضع گیری‌های دولت بایدن و بخش زیادی از کنگره، امریکا با نفع اسرائیل، اما جبرانی قوی و رو به گسترش در عرصه سیاست داخلی امریکا به وجود آمده که خواهان تغییر نگرش سنتی مبتنی بر جانبداری یک طرفه از اسرائیل در ایالات‌متحده است.

پرونده



ناکار آمدی حقوق بین‌الملل در مقابله با جنایات اسرائیل

عضو لاابالی حقوق بین الملل

■ **دکتر سیامک محمدی**

حقوق بین‌الملل، حق مردم مظلوم فلسطین در تعیین سرنوشت و راهی از اشغال را به رسمیت شناخته و نهادهای بین‌المللی، به رغم فشارهای سیاسی، چاره‌ای جز اذعان به این حقوق مسلم نداشتند، با این حال سایه سنگین ملاحظه‌کاری‌ها، نهادهای بین‌المللی را در استنفیای این حقوق، ناکار آمد ساخته و باعث تداوم جنایات ضدبشری رژیم اشغالگر قدس شده است. «ما مردم ملل متحد را تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دو بار در مدت یک عمر انسانی، افراد بشر را دچار مصائب غیر قابل بیان کرده و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر، تساوی حقوق ملت‌ها، برای زندگی صلح آمیز با یکدیگر تشریک مساعی خواهیم کرد…» این جملات فرازهایی از مقدمه منشور سازمان ملل متحد است که با هدف احیای صلح و امنیت جهانی بر ویرانه‌های جنگ جهانی دوم بنا نهاده شده است.

امروز جامعه جهانی با چشم خود شاهد اقدامات وحشیانه و ددمنشانه‌ای است که رژیم اشغالگر قدس به آن مبادرت می‌ورزد. این رژیم بعد از سلب حقوق سیاسی، تاریخی و قانونی مردم فلسطین، این بار ساده‌ترین حقوق انسانی آنها را زیر پا می‌گذارد. متأسفانه در روزهای گذشته رژیم غاصب صهیونیستی حملات وسیعی را از زمین و هوا علیه فلسطینیان ساکن نوار غزه انجام داد، در عین حال با محاصره همه‌جانبه نوار غزه، این منطقه را در بدترین شرایط خود به نسبت هجوم رژیم‌صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ قرار داده است. «نوار غزه اکنون به بزرگ‌ترین زندان جهان تبدیل شده است». این وضعیت به جدی اسفناک است که حتی برخی سازمان‌های حقوق بشری که معمولاً همیشه عضو موضوعی اتخاذ نمی‌کردند، به سخن آمده و نسبت به روند اوضاع در غزه ابراز نگرانی کرده و خواستار عقب‌نشینی رژیم‌صهیونیستی از موضع سختگیرانه‌اش شده‌اند.

اقدامات رژیم‌صهیونیستی علیه نوار غزه و وضعیت فلسطینی‌های ساکن این منطقه از چند جهت مشمول قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است. به عبارت دیگر از چند منظر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، حقوق و تکلیف‌ها بر دوش رژیم غاصب صهیونیستی قرار می‌دهد و این رژیم مکلف به رعایت آن است، زیرا رژیم اشغالگر قدس به رغم جعلی بودن آن، به عنوان پنجاهونهمین عضو سازمان ملل و متعهد به منشور ملل متحد و امضاکنده کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو است.

رژیم غاصب صهیونیستی از زمان تأسیس تاکنون جنایات زیادی را در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مرتکب شده است، ولی هر بار به نحوی از قوانین حقوق بین‌الملل برخوردار بوده و برای اعمال جنایتکارانه دیگر خود را مهیا کرده و هیچ‌گاه شورای امنیت موفق به کمترین تقابلی با این دولت تروریستی نشده است. بر همین اساس است که گفته می‌شود، موقعیت فعلی فلسطین نتیجه یک سلسله‌ی عدالتی، قانون شکنی، تجاوز و تخلف‌از اصول و مقررات بین‌الملل، نادیده‌گرفتن قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، تجاوز به حقوق طبیعی و انسانی و آزادی‌های واقعی است. حمایت و رفتار انسانی با مردم منطقه اشغالی، از اصول اساسی حقوق بین‌الملل در وضعیت اشغال خصمانه یک سرزمین است. رژیم‌صهیونیستی در جریان تجاوزات به غزه بارها قواعد حقوق بشردوستانه را نقض و حقوق فلسطینیان بین‌الملل، دارای مسئولیت بین‌المللی است.

■ **مسئولیت پایتدیری رژیم نامشروع**

رژیم غاصب اسرائیل در طول جنگ غزه، طبق مقررات کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ۱۹۰۷ الا‌هه و ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های آنها وظیفه داشت بین اهداف نظامی و شخص نظامی و اهداف غیرنظامی و شخص غیرنظامی تفکیک قابل شود، در حالی که در تهاجم رژیم‌صهیونیستی به غزه حمله به خانه‌های بهداشت، حمله به خانه‌های مسکونی و تخریب تعداد زیادی از آنها، تدارک حملات گوری علیه منازل و مکان‌های غیرنظامی به ویژه کودکان و زنان و حمله به مساجد را که مردم غیر نظامی در آن پناه گرفته بودند، شاهدیم که باعث نقض این بخش از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مقررات ماده ۱۹۰۷ و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ است. مشاهده است و طبق نص صریح ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، این عمل جنایت جنگی محسوب و مسئولیت کیفری رژیم‌صهیونیستی را موجب می‌شود؛ امری که نه تنها با هیچ معیار حقوق بشردوستانه‌ای سازگار نیست، بلکه می‌تواند مصداق نسل‌کشی و جنایت جنگی باشد.

رژیم‌صهیونیستی، به رغم عضویتش در کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و به رغم شمول قواعد عرفی متعدد، بر اثر بمباران‌های کورکورانه افراد غیرنظامی غزه اعم از زن، مرد و کودک و اموال خصوصی غیرنظامیان غزه اعم از خانه‌های مسکونی و محل اشغال آنها و اموال عمومی اعم از مدارس، مساجد و بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها، از هوا، زمین و دریا مرتکب نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است که بر اساس حقوق بین‌الملل موضوعه و حقوق بین‌الملل عرفی، اینگونه اقدامات و نیز به کارگیری سلاح‌های ممنوعه، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت خوانده می‌شود، بنابراین علاوه بر جنایات بین‌المللی که در اثر تجاوز به یک کشور و نقض اصل منع توسل به زور صورت می‌گیرد، چنانچه متجاوزان هنگام محاصره مسجون‌ه و درگیری نظامی، مقررات جنگ را نادیده بگیرند، مرتکب «جنایات جنگی» نیز شده‌اند. جنایات جنگی عبارت است از نقض فاحش قواعد و مقررات حقوق محاصمات مسلمان‌ه. این مقررات، در عهدنامه‌های چهار گانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی شماره ۴ام ۲۱ سال ۱۹۷۷ و نیز در قواعد و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر حقوق محاصمات مسلمان‌ه انعکاس یافته است. جنایات ارتكابی علیه افراد غیر نظامی، جنایات ارتكابی علیه مجروحان و اسیران جنگی، غارت اموال عمومی با خصوصی در زمان جنگ، بمباران و تخریب شهرها، روستاها و اهداف غیرنظامی دشمن که فاقد ضرورت نظامی باشد، در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرند. امروز این رژیم نامشروع اثبات کرده است هیچ تعهد و مسئولیت حقوقی و انسانی را نمی‌پذیرد.